

چاپ دهم
تهران
۱۳۹۹

۱۳

نشر زندگی



فلسفه‌ای برای زندگی

رواقی زیستن در دنیای امروز

ویلیام اروین

محمود مقدسی

www.nashrigan.com

بخش سوم: توصیه‌های رواقی

۱۵۳	۹: وظیفه
۱۶۱	۱۰: روابط اجتماعی
۱۷۰	۱۱: توهین
۱۸۲	۱۲: اندوه و ماتم
۱۸۹	۱۳: خشم
۱۹۶	۱۴: ارزش‌های شخصی (۱)
۲۰۴	۱۵: ارزش‌های شخصی (۲)
۲۱۵	۱۶: تبعید
۲۲۱	۱۷: دوران پیری
۲۳۱	۱۸: مردن
۲۳۷	۱۹: در باب رواقی شدن

بخش چهارم: رواقی‌زیستن در زندگی مدرن

۲۴۵	۲۰: افول مکتب رواقی
۲۶۴	۲۱: فلسفه رواقی بازنگری شده
۲۹۲	۲۲: رواقی‌زیستن
۳۲۶	یک برنامه مطالعاتی رواقی
۳۳۰	کتابنامه

فلسفه به زندگی می‌پردازد

همیشه کسانی بوده‌اند که به نحوی از انحاء می‌شد آنان را
 فیلسوفان در طول تاریخ افرادی بوده‌اند که به
 منشأ جهان و انسان و چرایی وجود رنگین‌کمان و این
 موضوعات بسنده نمی‌کردند، بلکه به پرسشگری‌شان ادامه
 و سلسله سؤالات را از این مسائل پیش‌تر می‌بردند. مثلاً
 آن‌ها گفته می‌شد جهان را خدایان آفریده‌اند، این فلاسفه
 می‌کردند چنین پاسخی نمی‌تواند پاسخی نهایی باشد. در
 پرسش‌شان ادامه می‌دادند و می‌پرسیدند چرا خدایان جهان
 آفریده‌اند، این خدایان چگونه جهان را آفریده‌اند و
 بگیزتر از همه این پرسش‌ها برای کسی که در صدد
 آن‌هاست اینکه چه کسی خدایان را خلق کرده است؟
 هر طوری که هر طور و از هر کجا که شروع شده باشد، در قرن
 میلاد جهش بزرگی را از سر گذرانند. در این دوره
 ۵۰۰-۵۷۰ ق.م.) در ایتالیا مشغول فلسفه‌ورزی بود؛
 ۶۳۶-۶۴۶ ق.م.)، آناکسیماندروس (۵۴۷-۶۴۱ ق.م.) و
 ۴۱۹-۵۵۱ ق.م.) در یونان، کنفوسیوس (۴۷۹-۵۵۱ ق.م.)

در چین؛ و بودا (۴۸۳-۵۶۳ ق.م.) در هند. روشن نیست که آیا این افراد مستقل از یکدیگر به فلسفه رسیده‌اند یا نه؛ همچنین مشخص نیست که اگر این جریان‌ها بر هم تأثیر داشته‌اند، این تأثیر از کدام سو و در کدام جهت بوده است.

زندگی‌نامه‌نویس یونانی دیوگنس لائرتیوس در قرن سوم پیش از میلاد تاریخچه‌ای بسیار خواندنی (ولی نه کاملاً قابل اطمینان) از دوران اولیه فلسفه به دست می‌دهد. به عقیده دیوگنس، فلسفه غربی در آغاز دو شاخه داشت. یکی - که او شاخه ایتالیایی فلسفه می‌نامد - با فیثاغورس آغاز می‌شود و در ادامه به اپیکور می‌رسد که فلسفه‌اش مهم‌ترین رقیب فلسفه رواقی است. شاخه دیگر که دیوگنس آن را شاخه ایونی می‌نامد با آناکسیماندروس آغاز می‌شود؛ آناکسیماندروس هم به لحاظ ذهنی و هم به لحاظ آموزشی بر آناکسیمنس تأثیر می‌گذارد. خلف آناکسیمنس، آناکساگوراس است و آناکساگوراس، آرخلائوس را تعلیم می‌دهد و این سیر در ادامه به سقراط (۳۹۹-۴۶۹ ق.م.) می‌رسد.

سقراط زندگی فوق‌العاده‌ای داشت. مرگش هم خاص و متفاوت بود. او به گمراه کردن جوانان آتن و جرایمی دیگر متهم شده بود. همشهریان او را گناهکار می‌دانستند و به مرگ با نوشیدن شوکران محکومش کردند. سقراط می‌توانست با طلب بخشش از دادگاه یا در صورت قطعی شدن حکم، باگریختن از زندان از مجازاتی که برایش تعیین شده بود، رهایی یابد، اما اصول فلسفی‌اش اجازه چنین کاری را به او نمی‌داد. در نهایت سقراط جام زهر را سرکشید و از دنیا رفت. پس از مرگ او، بسیاری از پیروانش نه تنها فلسفه ورزی را رها نکردند، بلکه هر کدام صاحب شاگردان و پیروانی شدند. افلاطون که معروف‌ترین شاگرد اوست، مدرسه فلسفه‌ای به نام آکادمی تأسیس